سلسله گزارشهایی از زندان

قصاص، طبق قانون!

امینه افروز

این زن که اکنون به جرم قتل در زندان مرکزی تبریز به سر می برد، چهره ای کودکانه دارد. پنج سال از زمان دستگیری وی و همسرش می گذرد و شاید با سه بار حکم قصاص، فرصتی برای زنده ماندن نداشته باشد. زندگی تلخ وی از همان لحظه ای آغاز می شود که مجبور به نشستن اجباری بر سر سفره عقد شد و اینک داستان زندگی اش را از زبان خودش بخوانید:

☒☒☒

اسم من کیمیاست. در گرگان به دنیا آمدم. چهار خواهر و چهار برادر دارم و خودم فرزند هشتم خانواده هستم. پدرم کارخانه شالی کوبی داشت. تا سنین نوجوانی در خانه پدر، زندگی خوبی داشتم... اما دوران شیرین زندگیم در سیزده سالگی به پایان رسید!

سیزده سال بیشتر نداشتم که رجبعلی به خواستگاریم آمد. من کلاس دوم راهنمایی بودم و نمی خواستم از پشت نیمکت مدرسه بلند شوم. رجبعلی کار جلوبندی ماشین و آهنگری انجام می داد. خانواده ام با این ازدواج موافق بودند و بدون در نظر گرفتن نظر من، به اجبار مرا به خانه شوهر فرستادند. یک سال بعد از ازدواجم، پدرم از دنیا رفت.

من که به درستی قانون را نمی دانستم، طی مدت عده که حق ازدواج با فردی دیگر را نداشتم، علیرغم مخالفت شدید خانواده ام، دو ماه بعد از طلاق، با علی فرار کردم

بعد از مرگ پدرم، ارثیه تقسیم شد. با ارثیه ای که به من رسید، خانه و یک پیکان برای خودم خریدم که پیکان را برای کار به شوهرم دادم و او دیگر سر کار آهنگری نرفت، بلکه به عنوان سرویس مدارس کار می کرد.

طی یازده سال زندگی با شوهرم، هیچ وقت به وی علاقمند نشدم. حتی وجود دو دخترم پریسا و مهسا، عشقی به زندگیمان نبخشید. من و شوهرم همیشه درگیری و اختلاف داشتیم.

در این مدت، غیر از پریسا و مهسا، تنها دلخوشی من، ادامه تحصیل بود. در رشته کاردانش کامپیوتر درس می خواندم ولی سال آخر، درسم نصفه ماند و چند واحدم را نتوانستم پاس کنم. نمی دانم چه شد که کم کم، نگاه های علی مرا به سوی خود جلب نمود. او با زن و بچه اش در محلمان زندگی می کرد.

مدتی از ارتباط پنهانی تلفنی ما نگذشته بود که رجبعلی، موضوع را فهمید. به این ترتیب اختلافات ما شدیدتر شد. بالاخره پس از چند ماه دوندگی، توانستم با بذل جهیزیه و مهریه و خانه و ماشینم به رجبعلی طلاق بگیرم. او حتی موبایلم را هم گرفت. حضانت بچه ها را هم به من نداد. البته هنوز خانه و ماشین به نام من است ولی من مردانه به او قول داده ام و آنها را به بچه هایم بخشیده ام. بنابراین هیچ وقت دنبال آن اموال نرفتم و نخواهم رفت.

من که به درستی قانون را نمی دانستم، طی مدت عده که حق ازدواج با فردی دیگر را نداشتم، علیرغم مخالفت شدید خانواده ام، دو ماه بعد از طلاق، با علی فرار کردم. می دانستم که خانواده ام هرگز اجازه این ازدواج را نمی دهند، چون علی زن و بچه داشت!

ما از گرگان به اردبیل فرار کردیم. هر کدام مقداری پول با خود برده بودیم و می خواستیم ماشین بخریم تا علی با آن کار کند و یک زندگی جدید تشکیل دهیم. خانه ای با ۲۰۰هزار تومان پول پیش و ۵۰هزار تومان ماهانه، کرایه کردیم. یک سوئیت کوچک که صاحبخانه هم گوشه دیگر حیاط با زن و خانواده پرجمعیتش زندگی می کردند.

همان طور که گفتم ما به دنبال خرید ماشین بودیم. در همین ایام، با پیرمردی آشنا شدیم که قرار بود در آن شهر غریب، برایمان ماشین پیدا کند. او هر روز به بهانه ماشین، جلوی در خانه ما می آمد و با علی صحبت می کرد. کم کم این رفت و آمدها، به شکل مزاحمت درآمده بود. حتی یک بار علی به من گفت باید از خیر ماشین خریدن توسط این پیرمرد بگذریم.

بالاخره اتفاقی که نباید می افتاد، افتاد... من در حال درست کردن شام بودم. برنج را در قابلمه ریخته بودم که در حیاط به صدا درآمد. در سوئیت ما، درست کنار در حیاط بود. بیشتر وقتها در را خودم باز می کردم. علی برای خرید از خانه خارج شده بود. فکر کردم علی است، گفتم در باز است علی، بیا تو!

وقتی علی وارد خانه نشد، چادر بر سر کرده و خودم جلوی در رفتم. باز همان پیرمرد بود. گفت شوهرم برای خرید به سر کوچه رفته، خانه نیست. با سن و سالی که داشت، او را جای پدر خودم می دانستم. اجازه خواستم تا برای آبکش کردن برنج بروم. او دم در منتظر علی ماند و من به داخل خانه برگشتم.

هنوز به آشپزخانه نرسیده بودم که ناگهان او پشت سرم وارد خانه شد. احساس کردم چشمانش قرمز شده و حالت عادی ندارد. مشروب خورده بود. اسم مرا به اشتباه، ویدا می گفت. هنوز چادر سرم داشتم. او وسط خانه با همان حالت غیرعادی، از من تقاضای کثیفی کرد. آن قدر عصبانی شدم که داد زدم من یک تار موی گندیده شوهرم را به صد تا آشغال مثل تو نمی دهم! به طرفم آمد. من از زیر دستش فرار کردم و در حیاط رسیدم. علی را دیدم که از مغازه برمی گردد. رنگ و رویم پریده و دستانم می لرزید. قبل از آن که حرفی بزنم، فهمید اتفاقی افتاده! ماجرا را گفتم. خیلی کوتاه و بریده بریده... قسم داده که دستش به تو خورده؟ گفتم نه! گفت برگرد خانه تا خودم بشنوم چه می گوید؟

پیرمرد هنوز در خانه بود. اگر حال عادی داشت، در خانه نمی ماند! شوهرم از کنار پنجره باز اتاق، در حیاط صدایش را می شنید. بلند گفت من دوباره می روم مغازه، چند دقیقه دیگر برمی گردم. پیرمرد این جملات را شنید. دوباره شروع به تکرار خواسته اش کرد. من که می دانستم در امنیت هستم، قاطعانه گفتم: نه! گفت دهان شوهرت را با پول می بندم. من از او خوشم نمی آید...

درج ادعاهای متهم به معنای رد یا تأیید آن نیست

علی در این لحظه وارد خانه شد. بدون هیچ گونه عکس العملی، به بهانه خرید ماشین، پیرمرد را بیرون برد. بعد از او خواست ما را به سرعین ببرد. با اشاره علی، برای ترساندن پیرمرد، از آشپزخانه چاقو برداشتم. هر دو سوار سمند نقره ای پیرمرد شدیم. به محض خروج از اردبیل، علی از او خواست ماشین را گوشه ای نگه دارد. وقتی او ماشین را نگه داشت، ضربه محکمی به دهانش زد. پیرمرد سوئیچ را درآورد و با نوکش، ضربه ای به سر علی زد. بعد گلوی او را گرفت تا خفه اش کند.

برای نجات علی، چاقو را زیر گلوی پیرمرد گذاشتم اما او ضربه ای به دستم زد و ناخواسته، شاهرگش را بریدم. . در طی همین درگیری، چند ضربه سطحی هم به صورتش خورد. خیلی ترسیده بودیم. پیرمرد را از ماشینش پیاده کردیم. چشمم به موبایلش افتاد که در ماشین بود. آن را به طرفش انداختم و گفتم به جایی زنگ بزن و خودت را نجات بده، من نمی خواستم ضربه ای بزنم...

علی در همان صندلی جلو نشست و من رانندگی می کردم... از جای فرو رفتن سوئیچ در سرش خون می آمد. ماشین را متوقف کردم و جای آن زخم را بستم. از همان جا یک سره به یزد رفتیم. پیرمرد با موبایل به خانواده اش زنگ زده و ماجرا را تعریف کرده بود. متأسفانه بر اثر خونریزی از دنیا رفته و ما به عنوان قاتل تحت تعقیب قرار گرفتیم.

هدفمان از بردن ماشین، سرقت نبود. هیچ وقت هم به فکر فروشش نیفتادیم. حتی نمی خواستیم دست به قتل بزنیم. در غیر این صورت می توانستیم از مرگ پیرمرد مطمئن شده و او را جایی مخفی نمائیم... ما موبایلش را هم کنارش انداختیم تا خود را نجات دهد.. ولی...

مدتی بعد در مهریز یزد، علی توسط پلیس دستگیر شد و بعد به در خانه آمدند و من هم دستگیر شدم. الآن علی هم در همین زندان است و روزهای ملاقات همدیگر را می بینیم. زنش طلاق گرفته و مهریه اش را به اجرا گذاشته است. البته زنش، دختر عمویش بوده است. رجبعلی هم با زنی دیگر ازدواج کرده و با خانه و ماشین من در کنار فرزندانم زندگی می کند. وقتی به زندان آمدم، باردار بودم. پسرم امیرحسین را یک ماه بعد از زندانی شدنم، به دنیا آوردم و مدتی بعد به پدر علی سپردم تا بزرگ کند...

هر سه یا چهار ماه یک بار او را با خود از گرگان به تبریز می آورد تا ببینم... سه بچه دارم و هیچ کدام را نمی توانم در کنارم داشته باشم. پدرشوهرم مرد خیلی خوبی است. چهار میلیون به زن اول علی داده ولی او تمام سکه هایش یعنی ۱۱۰سکه را می خواهد.

دختر بزرگم پریسا دیپلم گرفته و دختر کوچکم مهسا، کلاس سوم دبیرستان است و امسال دیپلم می گیرد. من و علی سه سال در زندان اردبیل ماندیم. دو بار به من حکم قصاص دادند. دو سال قبل با درخواستمان به این زندان منتقل شدیم. اینجا هم یک بار حکم قصاص صادر شد.

حالا پنج سال است که زندانی هستیم و همیشه به خاطر گرفتاری که برای علی به وجود آوردم، ناراحتم و خود را نمی بخشم. اگر خانواده مقتول دیه بخواهند، پدرشوهرم می تواند پرداخت نماید. برای علی حبس ابد، صادر شده که در صورت پرداخت دیه و رضایت، او هم می تواندآزاد شود. امیدوارم خانواده مقتول حداقل برای او رضایت بدهند.

طی یازده سال زندگی با شوهرم، هیچ وقت به وی علاقه‌مند نشدم. حتی وجود دو دخترم پریسا و مهسا، عشقی به زندگیمان نبخشید. من و شوهرم همیشه درگیری و اختلاف داشتیم

همسر مقتول را فقط یک بار در بازپرسی و یک بار در دادگاه دیده ام. با هم اختلاف داشتند و در همان دو جلسه هم گفت: قصاص، طبق قانون!...

حرفهای کیمیا که تمام می شود، اشک صورتش را هم پوشانده است. هنوز با همان چهره ای که اصلاً گذشت زمان را احساس نکرده و نمی توان باور نمود دو دختر دم بخت دارد، لبخندی تلخ هم در پس آن اشکها، نمایان است. یک ازدواج اجباری و عاقبتی که می توانست چنین نباشد... شاید اولیای دم هیچ وقت رضایت ندهند و کیمیا نمی داند چند صبح دیگر می تواند ببیند؟

با تشکر از عزیزانی که این گزارش به همکاری آنان تهیه گردید:

آقای علی مهربان مدیر کل محترم زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان آذربایجان شرقی، آقای حسین حلوی رئیس دفتر مدیریت و روابط عمومی اداره کل، آقای ایرج قیصرنژاد رئیس زندان مرکزی تبریز، آقای حسین درخشان مسئول دفتر رئیس زندان، آقای علیرضا قویدل رئیس حفاظت اطلاعات زندان، خانم دهقان مسئول اندرزگاه نسوان و تمام پرسنل گرامی این زندان

آگهی حصروراثت

آقای جعفر شهرت دیو دیده نام پدر حسن بشناسنامه ۵۵۳۰ صادره از بهبهان درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح که مرحوم محمدجواد شهرت دیو دیده بشناسنامه ۹- ۰۴۴۸۳۲- ۱۸۵- ۱۳۷۹ صادره از بهبهان در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۵ در اهواز اقامتگاه غیر دائمی فوت ورثه‌اش عبارتند از: ۱- متقاضی جعفر دیو دیده ش ش ۵۵۳- ۱۳۵۶ صادره از حوزه ۵ روستایی شهرستان بهبهان (پدر متوفی) ۲- سعیده کشور دوست به ش ش ۵۳۹ - ۱۳۵۸ حوزه روستایی هندیجان (مادر متوفی) و لاغیر اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک مرتبه آگهی می نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط می باشد. **قاضی شورای حل اختلاف دادگستری شهرستان بهبهان**

پیرو آگهی های قبلی بدینوسیله به آقای ابرهیم تابانی گوگ تپه فعلاً مجهول‌المکان ابلاغ می شود که آقای کمیل همتی و قاصلو تقاضای صدور اجرائیه نموده و اجرائیه به شماره ۳۱۳- ۸۸/۷/۲۵ صادر گردیده است و در آن محکوم به حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی جهت انتقال رسمی سند خودروی پراید به شماره انتظامی ۱۱۹ ق ۶۷ تهران ۱۱ بنام خواهان شده‌اید طبق ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی به شما ابلاغ می شود که به شعبه ۲۸ شورای حل اختلاف ارومیه مراجعه و نسخه ثانی اجرائیه را رؤیت نمایید و در غیر اینصورت ده روز پس از انتشار این آگهی‌ها مفاد اجرائیه با توجه به پرونده قابل اجرا خواهد بود. **۳۴۳۷مسئول دفتر شعبه ۲۸ شورای حل اختلاف ارومیه- علیاری**

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی به آقای

خواهان ابراهیم جوادپور فرزند محمد بطرفیت خوانده رقیه تیرافکن فرزند علی بخواسته اجازه ازدواج طرح دعوی نموده که دادخواست تقدیمی بشماره ۱۰۲۱- ۸۸/۶ثبت و به روز یکشنبه مورخ ۸۸/۹/۲۲ساعت ۱۱ وقت رسیدگی تعیین گردیده است با توجه به اینکه خواهان از اعلام نشانی خوانده اعلام ناتوانی کرده و او را مجهول‌المکان معرفی نموده است برابر ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یکبار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی میگردد تا خوانده قبل از جلسه فوق‌الذکر با مراجعه به دفتر دادگاه نسخه ثانی دادخواست و ضمایم را دریافت و در جلسه دادگاه شرکت نماید در غیر اینصورت تقسیم مقتضی اتخاذ خواهد شد. **۷۷رئیس شعبه ششم دادگاه عمومی خوی**

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان: خانم پروانه صدرزاده لشن لو با وکالت حمیدرضا حیدر اسدی‌خوانده: حمید و یاشار و فرید و نوید و مهران و ندا همگی دیلمقانیان و بتول قاسمی بیگی رضائیه و خانم مهری دیلمقانیان خواسته: ابطال اسنادخواهان موصوف دادخواستی به طرفیت خوانده مذکور بخواسته فوق به دادگاه‌های عمومی ارومیه تقدیم که به شعبه سوم دادگاه حقوقی ارومیه ارجاع و به کلاسه ۳/۸۸۰۵۸۲ ح ثبت گردیده و از سوی دادگاه به روز یکشنبه مورخه ۸۸/۱۰/۲۰ساعت ۱۰/۳۰ وقت رسیدگی تعیین شده است لذا مراتب به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی چاپ و آگهی میشود خوانده محترم می‌تواند قبل از حلول موعد دادرسی در دفتر دادگاه حاضر و از محتویات پرونده مطلع و ضمائم را دریافت و در جلسه دادرسی شرکت نماید و یا وکیل قانونی انتخاب کند والا دادگاه بصورت غیابی رسیدگی و تصمیم شایسته اتخاذ خواهد نمود. **۳۳۸۰مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی ارومیه**

شماره پرونده: ۸۸/۲۳۸ش ۷ شماره دادنامه: ۳۹۴- ۸۸/۷/۲ خواهان: علی علی میرزالو به وکالت آقای رسول بشیری
خوانده: اسماعیل حاجی علیزاده و صفورا کیانی هر دو مجهول المکان ابلاغ از طریق آگهی
خواسته: تنظیم سند خودرورای شورا

در خصوص دعوی آقای علی علی میرزالو با وکالت آقای رسول بشیری به طرفیت آقای اسماعیل حاجی علیزاده و صفورا کیانی به خواسته صدور حکم به الزام خواندگان در یکی از دفاتر اسناد رسمی و تنظیم سند رسمی انتقال نسبت به یک دستگاه سواری بیوک به شماره انتظامی ۹۴۵۸۷- تهران ۲۴ با توجه به مستندات موجود اولا تصویر مصدق مبایعه نامه مورخه ۸۷/۸/۲۷ دلالت بر وقوع عقد بیع فی مابین خواهان و خوانده ردیف اول دارد ثانیا معاونت راهور مالکیت خوانده ردیف دوم را نسبت به خودروی مزبور تایید نموده است ثالثا خواندگان علی رغم دعوت از طریق انتشار آگهی در روزنامه در قبال مستندات ابرازی از سوی خواهان در شورا حضور نیافته و دفاعی به عمل نیاورده‌اند فلذا با عنایت به مراتب شورا دعوی خواهان را ثابت تشخیص و به استناد مواد ۱۰ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ از قانون مدنی حکم به محکومیت خواندگان به حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی و انتقال سند اتومبیل مزبور به نام خواهان را صادر و اعلام می نماید این رای غیابی و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف بیست روز قابل اعتراض در محاکم محترم حقوقی ارومیه می‌باشد.

۳۳۸۲قاضی شعبه ۷ شورای حل اختلاف ارومیه- رجبی

آگهی مزایده اموال غیر منقول نوبت اول

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۱/۸۸/۲۶ اجرائیه شعبه یازدهم دادگاه حقوقی ارومیه محکوم علیه پرونده بنام آقای شهروز علی نژاد محکوم به پرداخت مبلغ ۷۵/۸۸۲/۳۱۴ ریال از بابت کل محکوم به در حق محکوم له و نیز پرداخت مبلغ ۳/۷۹۴/۱۱۵ ریال بعنوان نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت محکوم گردیده‌اند که در جریان پرونده اجرائی فوق الذکر بعلت عدم پرداخت مبالغ فوق الذکر از سوی محکوم علیه سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب نمایشگاه غرفه خرید و فروش اتومبیل واقع در مجتمع نمایشگاههای اتومبیل ارومیه راسته اول پلاک ۱۹ فاقد سند رسمی با مشخصات ذیل توقیف گردیده و کارشناس منتخب دادگاه ملک فوق را به ارزش کل یک میلیارد و هفتصد میلیون ریال یکصد و هفتاد میلیون تومان ارزیابی و اعلام کرده است بدین جهت مقرر گردیده ملک مزبور در مورخه ۱۳۸۸/۹/۲۳ روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح از طریق مزایده در دفتر شعبه یازدهم دادگاه حقوقی ارومیه واقع در خیابان دستغیب بفروش برسد مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به کسانی که به بالاترین قیمت خریدار باشند واگذار خواهد گردید متقاضیان می توانند در مورخه فوق الذکر در آدرس اعلامی حاضر و در جلسه مزایده شرکت نمایند و در صورتی که بخواهند از ملک مورد مزایده بازدید نمایند می توانند ۵ روز قبل از روز مزایده در اجرای احکام مدنی شعبه یازدهم دادگاه حقوقی حاضر تا ترتیب بازدید آنان داده شود لازم به ذکر است ده درصد بهای مورد مزایده فی المجلس از برنده مزایده بصورت سپرده وصول خواهد گردید و مابقی مبلغ نیز ظرف بیست و پنج روز از برنده مزایده اخذ خواهد گردید در غیر اینصورت ده درصد واریزی به نفع دولت ضبط خواهد گردید.مشخصات ملک مورد مزایده ملک مورد مزایده فوق فاقد سند رسمی در طبقات زیر زمین همکف و نیم طبقه بوده که هر یک از طبقات دارای مشخصات ذیل می‌باشد:۱- طبقه زیر زمین در ابعاد متوسط ۳x۰۴/۳/۷۰ متر مربع دارای مساحت ۱۲/۵۸ متر مربع با دیوارهای سیمانکاری شده که بعنوان انباری و موتور خانه مورد استفاده قرار می گیرد.۲- طبقه همکف در ابعاد متوسط مفید ۵۱x۳۶/۹/۶۵ متر مربع دارای مساحت ۱۵۰/۷۰ متر مربع با ارتفاع مفید ۷۰متر در ورودی مغازه و ارتفاع مفید ۲/۱۰ در زیر نیم طبقه که دارای کف سنگ فرش بوده و دیوارهای آن تا ارتفاع ۷۲۰ دارای پوشش سنگی و در بقیه ارتفاع سفید کاری شده با پوشش رنگ می باشد در ورودی غرفه مابین خیابان حائل کوتاه در دو ضلع شرقی و غربی وجود دارد که بعنوان پارکینگ مورد استفاده قرار می گیرد.۳- نیم طبقه به ابعاد متوسط ۶x۳۶/۹/۰۳متر مربع که دارای مساحت ۵۸متر مربع و ارتفاع ۲/۳۰ متر مربع با دیوارهای سفید کاری شده شامل دستشویی یک اطاق و فضای عمومی می باشد.

۳۳۸۱مدیر اجرای احکام شعبه یازدهم دادگاه حقوقی ارومیه

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم

شماره پرونده: ۶۲/۸۸/۴۳۴ش وقت رسیدگی: شنبه ۸۸/۱۰/۱۲ساعت ۱۱ صبح خواهان: صندوق حمایت مهر امام رضا ع وکیل برویا زینال زاده خوانده: حسین تاجری خوانده ردیف دوم خواسته: مطالبه وجه خواهان موصوف دادخواستی به طرفیت خوانده مذکور به خواسته فوق تقدیم شورای حل اختلاف ارومیه نموده و به شماره فوق الاشاره ثبت دفتر شعبه ۶۲شورای حل اختلاف ارومیه شده و برای روز شنبه ۸۸/۱۰/۱۲ساعت ۱۱ صبح وقت رسیدگی تعیین گردیده است اینکه به لحاظ مجهول المکان بودن خوانده حسب درخواست خواهان و دستور شورا و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار آگهی می شود تا خوانده به دفتر شوار مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در موعد مقرر فوق جهت رسیدگی در این شورا حاضر شود در غیر این صورت شورا تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

۳۳۷۹شعبه ۶۲ شورای حل اختلاف ارومیه

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای حسن به شیخی دارای شناسنامه شماره ۹۳۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۰۰/۸۸/ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان شیخعلی شیخی گلبان بشناسنامه ۷۷۲ در تاریخ ۸۸/۶/۸ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- حسن شیخی فرزند شیخعلی ش ش ۹۳۶ متولد ۱۳۶۱ پسر متوفی۲- مهراب شیخی گلبانی فرزند شیخعلی ش ش ۱۶۰۴۲ متولد ۱۳۵۶ پسر متوفی۳- سهراب شیخی گلبانی فرزند شیخعلی ش ش ۱۳۵۱۷ متولد ۱۳۵۲ پسر متوفی۴- حسین شیخی گلبانی فرزند شیخعلی ش ش ۱۰۶۰ متولد ۱۳۶۴ پسر متوفی۵- اسلام شیخی گلبان فرزند شیخعلی ش ش ۴۳۱۶ متولد ۱۳۴۵ پسر متوفی۶- لیلا شیخی گلبان فرزند شیخعلی ش ش ۱۶۰۴۳ متولد ۱۳۵۸ دختر متوفی۷- زیبا شیخی گلبان فرزند شیخعلی ش ش ۱۳۵۱۶ متولد ۱۳۵۰ دختر متوفی۸- نجیبه ابراهیمی صدقیانی فرزند محسن ش ش ۶۳۳ متولد ۱۳۲۴ همسر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. **۷۹۰رئیس شعبه ۱ شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی**

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای احمد جلایر سرنقی دارای شناسنامه شماره ۹۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۸۲۱۰/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان شیخعلی محمد جلایر سرنقی بشناسنامه ۱۴۴ در تاریخ ۸۸/۶/۱۲ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- احمد ملایر سرنقی فرزند محمد ش ش ۹۴ متولد ۱۳۴۰ پسر متوفی۲- رسول ملایر سرنقی فرزند محمد ش ش ۵ متولد ۱۳۳۸ پسر متوفی۳- حمید ملایر سرنقی فرزند محمد ش ش ۱۶ متولد ۱۳۳۹ پسر متوفی۴- منصور ملایر سرنقی فرزند محمد ش ش ۳۲ متولد ۱۳۴۷ پسر متوفی۵- منور ملایر سرنقی فرزند محمد ش ش ۵۱۷ متولد ۱۳۲۶ دختر متوفی ۶- مهربان ملایر سرنقی فرزند محمد ش ش ۵۴۵ متولد ۱۳۳۲ دختر متوفی۷- گورچین علی زاده فرزند صفر ش ش ۳۵۸ متولد ۱۳۱۰ همسر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. **۷۹۲رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی**

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم طاهره آذری اهرنجانی دارای شناسنامه شماره ۸-۰۳۲۳۴۷-۲۸۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۰۹/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ناصر آذری اهرنجانی بشناسنامه ۱۰۶۵۳ در تاریخ ۸۸/۴/۳۱ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به: ۱- طاهره آذری اهرنجانی فرزند ناصر ش ش ۸-۰۳۲۳۴۷-۲۸۴ متولد ۱۳۷۴ دختر متوفی۲- فائزه آذری اهرنجانی فرزند ناصر ش ش ۶-۰۵۲۹۳۸-۲۸۴ متولد ۱۳۸۰ دختر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

۷۹۱رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای افسر رونقی قره قشلاقی دارای شناسنامه شماره ۳۴۳۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۰۷/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان قاسم فرید قره قشلاقی بشناسنامه ۲۶ در تاریخ ۸۸/۷/۲ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- یوسف فرید قره قشلاقی فرزند قاسم ش ش ۳۱۰ متولد ۱۳۶۷ پسر متوفی۲- یاسین فرید قره قشلاقی فرزند قاسم ش ش ۸-۰۱۳۸۹۴-۲۸۴ متولد ۱۳۷۰ پسر متوفی۳- روزبه فرید قره قشلاقی فرزند قاسم ش ش ۸-۰۴۵۵۰۴-۲۸۴ متولد ۱۳۷۸ پسر متوفی ۴- افسر رونقی قره قشلاقی فرزند مختار ش ش ۳۴۳۲ متولد ۱۳۴۶ همسر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

۷۹۳رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای تیمور مسلمی کهنه شهری دارای شناسنامه شماره ۲۸۴۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۰۵/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نادر مسلمی کهنه شهری بشناسنامه ۱۷۸ در تاریخ ۸۸/۷/۱۸ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- تیمور مسلمی کهنه شهری فرزند بلال ش ش ۲۸۴۹ متولد ۱۳۲۹ پدر متوفی۲- اطلسی شاه حسینی فرزند قربانعلی ش ش ۱۱۸ متولد ۱۳۳۲ مادر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. **۷۹۵رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی**

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای احمد ریحانی مقدم دارای شناسنامه شماره ۹۸۷۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۰۶/۸۸/ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان راضیه علی زاده درزه کنانی بشناسنامه ۶ در تاریخ ۸۸/۶/۳ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- سارا ریحانی مقدم فرزند احمد ش ش ۳-۰۳۱۵۲۰-۲۸۴ متولد ۱۳۷۴ دختر متوفی۲- احمد ریحانی مقدم فرزند علی ش ش ۹۸۷۴ متولد ۱۳۴۱ شوهر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. **۷۹۴رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی**

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم حوریه ریاعی دارای شناسنامه شماره ۸۷۰۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۱۹۸/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان لطفعلی ریاعی بشناسنامه ۱۴ در تاریخ ۶۸/۱/۲۵ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- حوریه ریاعی فرزند لطفعلی ش ش ۸۷۰۲ متولد ۱۳۳۶ دختر متوفی۲- عصمت ریاعی فرزند لطفعلی ش ش ۸۱ متولد ۱۳۳۹ دختر متوفی۳- فاطمه ثروتمند فرزند غلامعلی ش ش ۹۷ متولد ۱۳۲۰ همسر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. **۷۹۶رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس**

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم حوریه ریاعی دارای شناسنامه شماره ۸۷۰۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۱۹۷/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه ثروتمند بشناسنامه ۹۷ در تاریخ ۷۴/۸/۱۴ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- حوریه ریاعی فرزند لطفعلی ش ش ۸۷۰۲ متولد ۱۳۳۶ دختر متوفی۲- عصمت ریاعی فرزند لطفعلی ش ش ۸۱ متولد ۱۳۳۹ دختر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. **۷۹۷رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی**

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای قاسم علیزاده دارای شناسنامه شماره ۸۸۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۱۷۷/۸۸/ح۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد علی زاده بشناسنامه ۳۶۹ در تاریخ ۸۸/۵/۲۰ در اقامتگاه دائمی خود بدورد زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آنمرحوم منحصر است به:۱- قاسم علیزاده فرزند محمد ش ش ۸۸۶ متولد ۱۳۴۲ پسر متوفی۲- کاظم علیزاده فرزند محمد ش ش ۸۸۵ متولد ۱۳۴۱ پسر متوفی۳- صمد علیزاده فرزند محمد ش ش ۱۸ متولد ۱۳۳۸ پسر متوفی۴- احمد علیزاده فرزند محمد ش ش ۱۱۰۵ متولد ۱۳۴۷ پسر متوفی۵- حسین علیزاده فرزند محمد ش ش ۱۲۳۶ متولد ۱۳۵۰ پسر متوفی۶- گلناز علیزاده فرزند محمد ش ش ۶۶۵ متولد ۱۳۳۴ دختر متوفی۷- گلندام علیزاده فرزند محمد ش ش ۱۱۰۴ متولد ۱۳۴۳ دختر متوفی‌اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

۷۹۸رئیس شعبه اول شورای حل اختلاف سلماس- قبایلی

آگهی احضار متهم

بدینوسیله به آقای محمد شروانلی فرزند ابراهیم تبعه ترکیه باتهام وارد نمودن داروی غیر مجاز به کشور ابلاغ میگردد با توجه به اینکه پرونده اتهامی فوق‌الذکر به روز شنبه مورخه ۸۸/۱/۱۷ ساعت ۹/۳۰ تعیین وقت گردیده طبق ماده ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری در موعد مقرر در این دادگاه حاضر شوید در غیر اینصورت دادگاه برابر مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ این قانون تصمیم مقتضی اتخاذ و اقدام لازم بعمل خواهد آورد.

۷۳ رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی خوی- نوروزی

آگهی احضار متهم

بدینوسیله به آقای بنیامین تولوم تاش فرزند محمد تبعه ترکیه باتهام وارد نمودن داروی غیر مجاز به کشور ابلاغ میگردد با توجه به اینکه پرونده اتهامی فوق‌الذکر به روز شنبه مورخه ۸۸/۱/۱۷ ساعت ۹ صبح تعیین وقت گردیده طبق ماده ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری در موعد مقرر در این دادگاه حاضر شوید در غیر اینصورت دادگاه برابر مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ این قانون تصمیم مقتضی اتخاذ و اقدام لازم بعمل خواهد آورد.

۷۲ رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی خوی- نوروزی

شماره پرونده: ۱۳۷۹-۱۰/۷/۸۶ ک مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۱ کیفری دادگاه عمومی نازلوشاکی: مرکز بهداشت ارومیهمشتکی عنه: حسن اسماعیل لو آدرس مجهول المکان موضوع: تهدید علیه بهداشت

رای دادگاه بزه انتسابی به آقای حسن اسماعیل لو فرزند یداله مبنی بر تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق تودیع بستنی‌های غیر بهداشتی در معابر عمومی حسب اعلام شکایت مرکز بهداشت شهرستان ارومیه و جوابیه استعلام وارده از ناحیه معاونت راهنمایی و رانندگی استان آذربایجان غربی محرز می‌باشد حال دادگاه با صرف نظر از حضور مشارالیه در جهت ارائه تدارک دفاع با احراز انتساب بزه به مشارالیه مستندا به ماده ۶۸۸ ق م اسلامی تعزیرات مشارالیه را به تحمل سه ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید بدیهی است رای صادره مستندا به مدلول ماده ۲۱۷ ق آ د ک غیابی و ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار در آگهی قابل واخواهی در این شعبه و با انقضای ۲۰ روز از تاریخ مهلت واخواهی قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان می‌باشد.

۳۴۱۳رئیس شعبه ۱۰۱ کیفری دادگاه عمومی نازلو- هیکلی

شماره پرونده: ۵-۱۰/۸۷/ جزائی شماره دادنامه: ۵۰۸-۸۸/۵/۱۴ مرجع رسیدگی شعبه ۱۰۱ کیفری دادگاه عمومی نازلو شاکی: رستم یزدان و محمد رضا عبدی آدرس ارومیه جاده بالانج روستای قطلوتلفن ۰۹۱۴۳۴۸۴۷۰۴
مشتکی عنه: مهدی زاده - لطفی آدرس مجهول المکان موضوع: بازداشت غیر قانونی رای دادگاه

در خصوص اعلام شکایت آقایان رستم یزدان و محمد رضا عبدی به طرفیت آقایان مهدی زاده و لطفی دایر بر بازداشت غیر قانونی و به طرفیت آقایان کلانتری و جعفری دایر بر توهین و تهدید به قتل دادگاه بدوا از باب اتهام انتسابی به متهمین دایر بر بازداشت غیر قانونی توجها به مفاد صورتجلسه تنظیمی از جانب ضابطین دادگستری بشرح مضبوط در صورتجلسه مورخ ۸۷/۸/۱۳ مضبوط در پرونده کلاسه ۱۰۱/۸۷/۱۰۴۶ ک به لحاظ صدور دستور بازداشت شکات از جانب مقام محترم قضائی به لحاظ بیم از اختلال در نظم عمومی و اجرای آن از جانب ضابطین و در خصوص اتهام انتسابی از باب توهین و تهدید به اضرار نفسانی توجها به تحقیقات نامحسوس ضابطین دادگستری بشرح مضبوط در صورتجلسه تنظیمی مورخ ۸۷/۹/۱۲ مستندا به مدلول بند الف ذیل ماده ۱۷۷ ق آ د ک به لحاظ فقدان دلایل اثباتی و با ملاک حاکمیت اصل برائت را صادر اعلام می دارد آراء صادره حضوری و مستندا به مدلول تبصره ذیل بند و او ۲۳۲ ق آ د ک ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان می باشد. **۳۴۱۴رئیس شعبه ۱۰۱ کیفری دادگاه عمومی نازلو**

شماره دادنامه: ۵۲۲-۱۰/۸۸/۱ جزائی مرجع رسیدگی شعبه ۱۰۱ جزائی نازلو
شاکی: منابع طبیعی شهرستان ارومیهمشتکی عنه: باقر خلیلی آدرس مجهول المکان
موضوع: تصرف عدوانی رای دادگاه

بزه انتسابی به آقای باقر خلیلی فرزند محمد علی دایر بر تصرف عدوانی نسبت به مراتع ملی به میزان ۰/۳ هکتار واقع در روستای حیدرلوی بیگلر از طریق تخریب حسب شکایت اداره منابع طبیعی شهرستان ارومیه صورتجلسه تنظیمی از جانب ماموربن آن مرجع از باب ضابطین دادگستری و عدم حضور متهم در اثناء تحقیقات مقدماتی و دادرسی در جهت تدارک دفاع محرز می باشد حال دادگاه با تطبیق فعل ارتکابی مشارالیه با مدلول ماده ۶۹۰ ق م اسلامی تعزیرات و تبصره ذیل آن و با امعان نظر به مدلول بند ۲ ذیل ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مشارالیه را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و رفع تصرف از محل محکوم می نماید بدیهی است رای صادره مستندا به مدلول ماده ۲۱۷ ق آ د ک غیابی وظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی قابل واخواهی دراین شعبه و با انقضای ۲۰ روز از تاریخ مهلت واخواهی قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان می باشد.

۳۴۱۵رئیس شعبه ۱۰۱ جزائی بخش نازلو- هیکلی

شماره دادنامه: ۲۳۵۰-۱۰/۷/۸۶ ک شماره دادنامه: ۸۶۷-۸۸/۷/۱۸ مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۱ کیفری نازلو شاکی: اسماعیل فرج زاده آدرس روستای رحیم آبادمشتکی عنه: علی رضایی بعنوان پیمانکار شرکت ایران صدرا آدرس مجهول المکان موضوع: صدمات بدنی شبه عمدی‌رای دادگاه بزه انتسابی به آقای علی رضایی بعنوان پیمانکار شرکت ایران صدرا دایر بر تسبیب در ایراد صدمات بدنی شبه عمدی ناشی از عدم رعایت نظامات قانون کار حسب شکایت شاکی خصوصی آقای اسماعیل فرج زاده گواهی های پزشکی قانونی نظر به بازرسی اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ارومیه که مفادا دلالت بر مداخلت پنجاه درصدی مشارالیها در ایراد صدمات وارده داشته محرز می باشد حال دادگاه از باب صدمه وارده آسیب عضلات پشت پای راست و پیچ خوردگی مچ پای راست مشارالیه را به پرداخت ۷۵/۱۰۰ دیه کامل در حق شاکی خصوصی با استناد به مدلول ماده ۳۶۷ ق م اسلامی محکوم می نماید بدیهی است محکوم علیه درانتخاب نوع دیه از موارد ششگانه مصرح قانونی مختار بوده و مهلت پرداخت دیه نیز با توجه به خصلت ذاتی بزه ظرف دو سال از تاریخ وقوع بزه تعیین می گردد و اما از باب جنبه عمومی بزه با تطبیق فعل ارتکابی مشارالیها به مدلول بند ۲ ذیل ماده ۱۷۶ ق کار مشارالیه را به پرداخت شانزده میلیون و یکصد و چهار هزار ریال در حق صندوق دولت و رفع نقص با کسب نظر اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ارومیه محکوم می نماید بدیهی است رای صادره مستندا به مدلول ماده ۲۱۷ ق آ د ک غیابی محسوب ظرف ده روز از تاریخ انتشار در آگهی قابل واخواهی در این شعبه و با انقضای ۲۰ روز از تاریخ مهلت واخواهی در خصوص محکومیت به جزای نقدی قابل تجدید نظر خواهی درمحاکم محترم تجدید نظر استان می باشد.**۳۴۱۶رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری بخش نازلو- هیکلی**

شماره پرونده: ۹۶۵-۱۰/۸۸/ جزائی شماره دادنامه: ۸۵۶-۸۸/۷/۱۸ مرجع رسیدگی شعبه ۱۰۱ کیفری نازلوشاکی: سیروس تراب نیا آدرس ارومیه خیابان میثم چلو کبابی وحید پلاک ۴۴ متشکی عنه: ناصر هاشم زاده آدرس مجهول المکان موضوع: ایراد صدمات بدنی عمدی رای دادگاه

در خصوص اعلام شکایت آقای سیروس تراب نیا به طرفیت آقای ناصر هاشم زاده دایر بر مباشرت در ایراد صدمات بدنی عمدی دادگاه با صرف نظر از اعلام رضایت بعدی شاکی خصوصی به لحاظ فقدان دلایل اثباتی مستندا به مدلول بند الف ذیل ماده ۱۷۷ ق آ د ک قرار منع پیگرد را صادر اعلام می دارد آراء صادره مستندا به مفهوم مخالف بند دال ذیل ماده ۲۳۲ از قانون مرقوم قطعی است.**۳۴۱۷رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری بخش نازلو- هیکلی**

دادنامه

شماره بایگانی: ۸۸۰۵۰۱شماره پرونده: ۱۰۵/۸۸۰۹۹۸۴۴۱۵۴۰۰۱۶۳ جزائی

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۴۴۱۲۵۰۰۷۵۲-۸۸/۸/۱۹ شاکی: آقای فیصل قلعه جویی ارومیه خیابان مافی ساحلی کوچه منابع طبیعی پلاک ۲۹ متهم: ۱- آقای آیدین سلامت ارومیه روستای لرنی ۲- آقای جابر تاتاری مجهول المکان ۳- آقای عبدالسلام تاتاری مجهول المکان ۴- آقای فرزاد تاتاری حکیم نظامی پمپاژ گاز جنب نانوایی درب سوم اتهام: آدم ربایی رای دادگاه در خصوص اتهام فرزاد و جابر عبدالسلام شهرت همگی تاتاری و آیدین سلامت مبنی بر آدم ربایی با توجه به محتویات پرونده و شکایت اولیه شاکی و تحقیقات انجام گرفته و بررسیهای به عمل آمده و کیفر خواست دادسرا و اقرار متهم ردیف اول صرفنظر از اعلام رضایت شاکی به استناد ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی و رعایت ماده ۲۲ قانون مزبور بلحاظ رضایت شاکی هر یک از متهمین فوق الذکر را به تحمل شش ماه حبس محکوم می‌نماید ایام بازداشت قبلی احتساب خواهد شد این رای در مورد فرزاد تاتاری و آیدین سلامت حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در مورد جابر تاتاری و عبدالسلام تاتاری غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی است.

۳۴۲۶رئیس شعبه ۱۰۵ جزائی دادگاه عمومی ارومیه- ابراهیمی

دادنامه

شماره بایگانی: ۸۸۰۴۹۹شماره پرونده: ۱۰۵/۸۸۰۹۹۸۴۴۱۱۶۳۰۰۵۶۸ جزائی‌شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۴۴۱۲۵۰۰۷۵۱-۸۸/۸/۱۹ شاکی: وزارت جهاد کشاورزی خیابان والفجر متهم: خانم عصمت بهادری حصار آغبلاغ مجهول المکان اتهام: تخریب رای دادگاه در خصوص اتهام عصمت بهادری مبنی بر تخریب و تصرف مرتع ملی به مساحت ۴/۱۸۲ هکتار با توجه به پرونده و شکایت سازمان مربوط و تحقیقات انجامی و مدارک پیوستی و کیفر خواست دادسرا و گزارش و صورتجلسات صفحات ۵ و ۴ و ۶ پرونده و متواری بودن متهم بزه انتسابی محرز است فلذا دادگاه به استناد ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی نامبرده را به تحمل نود و یک روز حبس و رفع تصرف از مرتع ملی محکوم می‌نماید این رای غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی است. **۳۴۲۷رئیس شعبه ۱۰۵ جزائی دادگاه عمومی ارومیه- ابراهیمی**

دادنامه

شماره بایگانی: ۸۸۰۵۰۸شماره پرونده: ۱۰۵/۸۸۰۹۹۸۴۴۱۵۲۰۰۴۳۲ جزائی‌شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۴۴۱۲۵۰۰۷۳۹-۸۸/۸/۱۹ شاکی: آقای محمد تقی غلامی ارومیه خیابان مدنی ۱ کوچه شهید صفاری پلاک ۲ متهم: آقای سلطانعلی ولیزاده مجهول المکان اتهام: کلاهبرداری رای دادگاه در خصوص اتهام سلطانعلی ولی زاده مبنی بر کلاهبرداری با توجه به محتویات پرونده و شکایت شاکی و تحقیقات انجام گرفته و بررسیهای به عمل آمده و گزارش مرجع انتظامی و مدارک پیوستی و کیفر خواست دادسرا و متواری بودن متهم بزهکاری مشارالیه محرز است فلذا دادگاه به استناد ماده قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نامبرده را به تحمل یک سال حبس و رد حق شاکی به نامبرده ۳۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و پرداخت مبلغ ۳۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم می‌نماید این رای غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی است.

۳۴۲۸رئیس شعبه ۱۰۵ جزائی دادگاه عمومی ارومیه- ابراهیمی